

# شبستان

نشریه طنز مسجدي ها - شماره چهارم - دی ۹۵ - زیر نظر باشگاه طنز انقلاب اسلامی - rahrahtanz.ir

## نیازمندی‌ها

محمدکفش‌دوز

به چند سوژه جدید از اهالی محل، آشنایان، بستگان، مسئولین، بازیگران، مجردان، دامادهای جدید خانواده و اصغر آقا قصاب جهت غیبت کردن نیاز مندیم

انجمن بیکاران...



## پسیجی لیخن‌دیزن

کتاب فرهنگ جبهه (شوخی طبیعی ها)  
جلد ۳، صفحه: ۵۰

استوار بی خیال

به صف شده بودیم برای رژه. هوا گرم بود و بچه‌ها خسته. طبیعی بود که پاها خیلی بالا نیاید. معاون فرماندهی گروهان در جایگاه ایستاده بود. وقتی به جایگاه رسیدم معاون فرمانده، به جای اینکه بگوید: «گروهان، خیلی خوب» با همین آهنگ، گفت: «حیف نان». ولی بدون معطلی یک پسیجی پا به زمین کوبید و با صدای بلند گفت: «استوار، بی خیال». که تمام فرماندهان در جایگاه زند زير خنده و بقیه ی تهرين لغو شد.

محمدحسین علیان

## احکام را با لیخن‌دبیا موزیم

درس سوم:

### ۱ آب باران چه خصوصياتی دارد؟

أ. خیابان‌ها را خلوت می‌کند.  
ب. بهانه‌ایست برای نرفتن سر کار.  
ج. به شرط نبودن عین نجاست، با یک بار باریدن پاک می‌کند و نیاز به فشار دادن فرش و لباس هم نیست.

### ۲ آب جاری و آب چاه، حکم ... دارد که ...

أ. حکم آن جوان بخت‌برگشته‌ای را دارد که نه کار دارد، نه پول، نه آبرو، فقط انگیزه ازدواج دارد.  
ب. حکم پول باد آورده‌ی اختلاص‌کننده‌ای را دارد که تمام نمیشود بلکه از شرکتی به شرکت دیگری منتقل میشود.

ج. حکم آب کر را دارد که با یک بار آب کشی پاک می‌کند و تا زمانی که بو یا طمع یا رنگ نجاست را نگرفته نجس نمی‌شود.

### ۳ بعد از شستن چه چیزهایی باید آن را فشار داد؟

أ. دکمه enter کامپیوتر.  
ب. قشر مستضعف جامعه.  
ج. فرش و لباس و چیزهایی که آب را به خود میگیرند.

### ۴ به غیر از آب؛ زمین، آفتاب، اسلام، برطرف شدن عین نجاست و ...

استحاله هم ... هستند.

أ. چیزهای خوبی.

ب. جای خالی اضافی است. می‌خواهد بگوید غیر از آب اینها هم هستند دیگه.

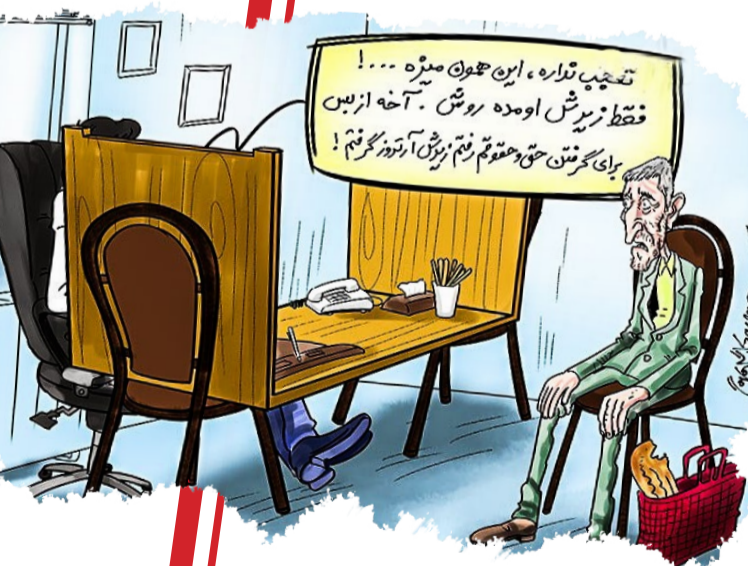
ج. جزء مطهرات هستند. (البته در موارد و شرایط خاصی.)

## دایره المعامی فی شرح گناهان اختصاصی تحت میز

معصومه احمدی وشکی

«تحت میزی» بر وزن «تشت دیزی»، شیئیست بس عجیب. علمای معرفت المیز دو قول در معنایش آورده‌اند:

قول اول، حیوانیست از خاندان چرتکه‌سانان که اجدادش از زیر میز میخیزند و امروزانشان از بالای میز میپرند. مردم مشکل‌گشا پندارندش ولی فقط مشکل‌گشاد میکنند. و چون مردمان که بدین درنده‌خوی، خوی کنند؛ دیگر ایشان را ترسی از کشیدن لحم و دم مردم نیست. با نوشیدن خون ابناء بشر و بر حلقومشان مهر جهنم نهند که چهار روزی را درین سرای، سروری کنند. و اما قول دوم تحت میزی را نه حیوان که نوعی علم جبر می‌دانند از دایره اموال. زیرا گیرنده‌ی آن، چنان یک‌ضرب، به حساب جمع کردن اموال مردم پردازند که در نتیجه در دایره‌ی شیادان بر سر گردنه‌ها محسوب میگردد. و دهنده‌ی آن، امید به لطف و عدل خدای را در معادلاتش منها میکنند و در نتیجه زیون میگردد. شما را شماره به پرهیزکاری از جانب تحت میز. اگر بدان نزدیک شوید کاری کوچک بساختید و باقی برانداختید. و اگر از آن دوری جستید باشد بدانید که خدای تعالی بر جای حقش بنشسته.





# په چای ریایگوبیدنه

محمد کوره پز

از آنجایی که کلمه ریباخواری یک جور است که آدم نگاهش که می کند انگار چرک دارد از سر و کولش بالا می رود طوری که آدم می خواهد بالا بیاورد و ... بگذریم! کجا بودیم؟ آهان ... خلاصه یک سری معادل خوشگل برای عزیزانِ نزول خوار در نظر گرفته ایم که این نزول نیست بلکه:

- سود پوله.
  - خودش قبول کرد مجبورش که نکردم
  - به جاش یه سیر تمک ازش خریدم!
  - بانک هم می گیره
  - مگه خودم چلاق بودم از ۴ تومن ۱ تومن درنیارم؟
  - تو این راسته همه می گیرن
  - زود بده که سود نده
  - همه چی گرون شده پول منم گرون شده
  - خونه شو رهن کردم به خودش کرایه دادم
  - خدا می دونه چقدر با پوم پول درآورده
  - و ...
- امید است استفاده از این معادل ها باعث کاهش درد در ناحیه وجدان (اگر چیزی تهش برایشان مانده!) باشد. آمیبین



محمد مهدی پرنیان

## ابلیس در آنتراک!



پشت سر تو هلاک باشد  
صد عاشق سینه چاک باشد  
اندازه ی رولپلاک باشد  
کانسیلر و پودر و لاک باشد  
«سرگیجه» ی هیچکاک باشد  
پیچ تو به اشتراک باشد  
در پیچ، تو را چه باک باشد  
از جانب تو بلاک باشد  
باید دو سه لیفتراک باشد  
نه بهر تو دین ملاک باشد  
با شرع در اصطکاک باشد  
ابلیس در آنتراک باشد  
وقتی که دل تو پاک باشد!

هی عشوه گری کنی و یک شهر  
در کوچه به دنبال تو هر روز  
آن پاشنه های کفش تنگت  
از بس رخ و دستان تو پر از  
دیدار تو ترسناک تر از  
هفتاد هزار فالوئر در  
از پخش تمام عکس هایت  
هر کس که کند تو را نصیحت  
تا جمع کنند آبرویت  
نه روسری ای به سر ببندی  
اعمال و عقاید تو اینجا  
وقتی که چنین تو بی حجابی  
با این همه از خدا چه ترسی؟

حکایت سیزدهم

## طنز در ادبیات کهن

یکی در مسجد سنجار به زشتی بانگ گفتی به صدایی که مستمعان را ازو نفرت بودی. صاحب مسجد، به او گفت: «ای جوانمرد، این مسجد را مؤذنانند قدیم؛ هر یکی را پنج دینار میدهم. تو را ده دینار می دهم تا جایی دیگر روی.» و برفت. پس از مدتی درگذری پیش امیر بازآمد. گفت: «ای خداوند، برمن حیف کردی که به ده دینار از آن بقعه بدر کردی که اینجا که رفته ام بیست دینار همی دهند تا جای دیگر روم و قبول می کنم.» امیر از خنده بی خود گشت و گفت: «زنهار تا نستانی که به پنجاه راضی گردند.»  
به تیشه کس نخرشد ز روی خارا گل  
چنانکه بانگ درشت تو می خراشد دل



## مناجات نامه

س. رستمی

الهی! مادر عیال را یادآور باش من همانم که برای آمدنم چه نذرهاکه نکرده! چه دعاها بخت گشا که نگرفته!  
الهی! عیال را بفرما جیب شاه سعودی هم بودمی با این برداشتها دیگر وجهی باقی نمی ماند.  
الهی! همسایه را بیاموز هر رفت و آمدی ارزش دیده بانی از چشمی در را ندارد.  
الهی! اگر قناعت عیال دست ما را نگیرد از اضافه کاری و وام کاری برنیاید.  
الهی! وای فای یک وسیله ی شخصی است، رمز وای فای شخصی تر. همسایه را بدین مطلب آگاه ساز و دستش از رمز کوتاه.  
الهی! حد مشاع خانه را بر همسایه مشخص کن تا بداند که بالاغیرتا نانِ تافتون و پیاز و لپه ما ملک مشاعش نیست که همه چیزش را از ما میخواهد.

شبستان راهراه

نشریه طنز مسجد (ضمیمه مجله راهراه)

دبیر نشریه: محمد حسین علیان

تحریریه: محمد کنش دوز، محمد کوره پز، معصومه احمدی و شکی، س. رستمی

پل ارتباطی: telegram.me/aghayeahian